

در نامه «گوهر»، این مبحث گشوده میشود و صاحب نظران و نقادان میتوانند، با رعایت کامل همه جوانب کار، هر شعر یا نثر و کتاب و رساله و مقاله را، در کمال ادب و نزاکت و انصاف و بطور مستدل و منطقی، مورد بحث و نقد قرار دهند و نظرات صائب خود را، آزادانه، ابراز دارند.

این نکته گفتنیست که، بر حسب اصول متعارف و متداول جهان، نوشته‌ای و کتابی و بطور کلی اثری در خور بحث و نقد صاحب نظران است که براساس بلند پایه و گرانمایه و نغز و سنجیده و مهم و عالی و صاحب آن عالم و فاضل و محقق و متبحر باشد و در حقیقت بارزش نقد و بحث بیارزد. پس، از این نظر، انتقاد علامت تکذیب و تحقیر نیست بلکه نشان تکریم و تعظیم است.

گوهر

نقد و بحث

(۱)

نقد و بحث بر کتاب مجمل التواریخ والقصص

تصحیح شادروان استاد ملك الشعراء بهار (چاپ اول ۱۳۱۸ شمسی)

(دنباله شماره پیشین) (مجموعه مطالعات فرهنگی)

رساله جامع علوم انسانی

ص ۱۵۷ - سطر ۱۱ : لعمری قد حلت قومك نعمة لرفقك عنها كل باغ اخی بكر
در این بیت، «حلت» و «بكر» خطا و «جللت» و «مكر» صواب (التیجان) و «لرفقك» خطا و «لدفعك» صواب است. بدینگونه :

لعمری قد جللت قومك نعمة لدفعك عنها كل باغ اخی بكر

ص ۱۵۷ - سطر ۱۲ : وراجعها الملك الذي كان قنمضي فانت ابیت اللعن ذوالمنن الدهر
درین بیت، «راجعها» خطا و «راجعتها» صواب است (التیجان) و «الدهر» خطا و «الزهر» صواب است. بدینگونه :

* آقای عبدالحمید بدیع الزمانی، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ازادیان و دانشمندان گرانمایه معاصر

وراجعتها الملك الذي كان قدمضى فانئت اللعن ذوالمنن الزهر

ص ۱۵۷ - سطر ۱۴ :

ولا الجن الا ناصر [...] بالصهر خطا ولا الجن الا ان نساق على قسر صواب .

ص ۱۵۷ - سطر ۱۶ : فياتي نبي متى امره غير حامل روف رحيم باليتيم و ذى الفقر
درين بيت، «غير حامل» خطا و «غير زاهق» صواب است و مصرع دوم هم بايد اينگونه باشد:

فيأتي نبي متى امره غير زاهق رحيم بنى القربي لطيف بنى الوتر

ص ۱۵۷ - سطر ۱۷ : يكون لنا منا هنالك شيعة غطاريف زهر في الانابة والنفر
«الانابة» خطا و «الافاضه» صواب است . بدینصورت :

يكون لنا منا هنالك شيعة غطاريف زهر في الافاضة والنفر

ص ۱۵۷ - سطر ۱۸ : فحمير عيشي في البلاد يعطه وملك الي أن ياتي الله بالامر
«يعطه» خطا و «بغتطة» صواب است .

ص ۱۵۸ - سطر ۵ : كلمة «ذوالكلاغ» خطا و «ذوالكلاع» ، با عين بي نقطه ، صواب است .

ص ۱۵۸ - سطر ۱۱ : بسم الله هذا ما بناه شمر يرعش لسيدة الشمس

«لسيدة» خطا و «لسيدته» صواب است .

ص ۱۵۸ - سطر ۱۴ : ايا شمر ابو كرب اليماني خلعت الحيل من يمن و شام

درين بيت، «ايا» خطا و «انا» صواب و «خليت» خطا و «جلبت» ، با جيم و باء موحد ،

صواب است . بدینصورت : انا شمر ابو كرب اليماني جلبت الحيل من يمن و شام

ص ۱۵۸ - سطر ۱۵ : لنتي اعبد أم ذوعلينا بارض الصين من اهل السوام

خطا و بصورت لنتي اعبدأ مردوا وراءالصين في عثم و يام صواب است .

ص ۱۶۰ - حاشيه شماره ۶ :

«طرايف» جمع طريفه است نه جمع طرفه كه جمع آن طرف بهضم طاء و فتح راء است .

ص ۱۶۱ - سطر ۶ :

ملكنا عبادالله في زمن الخالي «زمن» خطا و «الزمن» صحيح است .

ص ۱۶۱ - سطر ۱۲ به بعد :

اين ابیات با آنچه در ديوان اعشى آمده است اختلاف بسيار دارد، بآن رجوع شود.

ص ۱۶۲ - سطر ۱ : كانت لهم سودد وحلم و نجده شانها وقار

كلمة «شانها» خطا و كلمة «زانها» صوابت .

ص ۱۶۳ - حاشيه ۴ :

«الذون» خطا و «الذوون» با دو (واو) صحيح است كه در دومورد ديگر نيز ذكر شده و

همچنين كلمة «طوائف» كه در دومورد آمده است با همزه صحيح است و كلمة «قائد» ، صحيح
آن با همزه است نه با ياء .

ص ۱۶۴ - سطر ۱۱ : ما نظرت ذات اسفار كما نظرت يوماً [كما صدق] الذئبي اذ سجعا

«ذات اسفار» خطا و «ذات اشفار» با شين سه نقطه صحيح است .

ص ۱۶۵ - سطر ۱۵ : الامن يشترى سهر ابنوم سعيد من يميت فريرعين

«من يميت» خطا و «من يبيت» صحيح است . بدینصورت:

الامن يشترى سهر ابنوم سعيد من يبيت فريرعين

- ص ۱۶۵ - سطر ۱۶ : فاما حمير غدرت وخانت
 «اما» بکسر همزه صحیح است وموردی برای شك ندارد .
- ص ۱۶۶ - سطر ۱۲ : ولكن تذکر امر العجب
 «العجب» بدون الف و لام صحیح است .
- ص ۱۶۶ - سطر ۱۵ : فلما الاعاجم فی بابك
 «فلما» خطا و «فللنا» صحیح است .
- ص ۱۶۶ - سطر ۱۵ : ولضحی العزیز بها قد سلب
 «ولضحی» خطا و «أضحی» صواب و «سلب» خطا و «غلب» بضم غین و کسر لام صحیح است . بدینصورت : وأضحی العزیز بها قد غلب
- ص ۱۶۶ - سطر ۱۶ : تصحیح این بیت ممکن نشد فقط «مالقنا» باید «بالقنا» باشد.
- ص ۱۶۶ - سطر ۱۸ : بلبه بلا لیل وسم لخب قیاساً باید
 یلبه بها لیل وسم نجب باشد «وسم» مضموم الفاء . «نجب» مضموم الفاء والعین
- ص ۱۶۶ - سطر ۲۰ : «حذب» به فتح حاء و کسر دال ظاهراً صحیح است.
- ص ۱۶۶ - سطر ۲۱ : تصحیح مصراع اول ممکن نشد ولی مصراع دوم باید چنین باشد:
 بسم القنا والصفاح القضب
- ص ۱۶۷ - سطر ۱۴ : «خمس عشر» خطا «خمس عشرة» صواب است .
- ص ۱۶۹ - سطر ۷ : «النار» به کسر راء صحیح است نه بضم آن .
- ص ۱۷۴ - سطر ۶ : «امرؤ القیس» خطا «امرئ القیس» صواب است .
- ص ۱۷۴ - سطر ۱۰ و ۱۲ نثر : «ما [ء] لسماء» خطا «ماء السماء» صواب است .
- ص ۱۷۴ - سطر ۱۸ : «سرح الغدیر» خطا «صرح الغدیر» صواب است .
- ص ۱۷۵ - سطر ۳ :
 «ادرج» خطا و کلمه «ادرح» با ذال نقطه دار و حاء بی نقطه صحیح است .
- ص ۱۷۵ - سطر ۱۶ :
 و «سدیر» خطا و کلمه و [به] سدیر باید باشد : عمرو بن الحرث بیست و شش سال ودوماه پادشاه بود و [به] سدیر همی نشست .
- ص ۱۷۶ - سطر ۲ : سما صقر فاشغل جانبها والهاک المروح والغریب
 درین بیت «فاشغل» خطا و «فاشعل» با عین بی نقطه صحیح است .
- ص ۱۷۶ - سطر ۳ : فبتن لدى الثویه ملجمات فصیحن العباد وهن سیب
 درین بیت به ترتیب ، «الثویه» و «فصیحن» و «سیب» خطا و «الثویه» با تاء نقطه دار و «فصیحن» با باء یک نقطه و «شیب» با شین نقطه دار صحیح است . بدینصورت :
 فبتن لدى الثویه ملجمات فصیحن العباد وهن سیب
- ص ۱۷۶ - سطر ۸ : «لعمرو» خطا و «لعمرو» صحیح است .
- ص ۱۷۶ - سطر ۹ شعر : و قصر لصیداء التي عند حارب
 «قصر» خطا و «قبر» صحیح است و «لصیداء» خطا و «بصیداء» صواب است . بدینصورت :
 وقبر بصیداء التي عند حارب

ص ۱۷۶ - سطر ۲۰ :

«الحرب» غلط و صحیح آن «الحرث» با ثاء سه نقطه است. و مانند «الرحمن» الف آن حذف شده که باید الحارث خوانده شود.

ص ۱۷۷ - سطر ۵ :

بکی حارث الجولان من فقد ربه و جوران منه خاشع متضایل
«جوران» و «خاشع» و «متضایل» خطا و «جوران» با حاء حطی و «موحش» و «متضائل»
باهمزه صحیح است. در دیوان نابغه چنین آمده :

بکی حارث الجولان من فقد ربه و جوران منه موحش متضائل

حقیقی‌راد *

«۲»

نقدی بر نقد و بحث يك تکه کاغذ

ترجمه آقای دکتر حمیدی

باتوجه به شماره ۳-۴ مجله (صفحه ۳۶۶) که کلمه تاه را بجای (تا) و ارا به را بجای اراده و کمانک را بجای پرانتز خطا دانسته و مورد نقد قرار داده‌اند گوئیم :

۱- کلمه تاه، بجای تا، بسیار بکار برده شده و در لغت هم ضبط گردیده است. نخست از آثار قدما، نقل از دیوان رشید و طواط، بامقدمه و مقابله مرحوم سعید نفیسی، صفحه ۴۲۰، در قصیده مدح خوارزمشاه اتسز گوید:

جان دشمن وقت فرمانش چو فرمانش روان پشت گردون پیش ایوانش چو ایوانش دوتاه
از شعرای اخیر، حکیم قاننی، مکرر واز معاصران، شادروان ملک الشعراء بهار، در قصیده معروف شب شوم، تاه را بجای تا آورده‌اند که برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر مثال خودداری میشود.

نقل از فرهنگ عمید: تا، لگند چیزی، نیمه‌باز، خمیدگی پارچه و کاغذ که آنرا تاه نیز میگویند.

۲- ارا به و اراده هر دو بجای عراده صحیح است. اینک شاهد:

ارابه گردون و چرخ و چرخه و بارکش و اراده (فرهنگ نفیسی).

ارابه = گردون (برهان قاطع)

۳- کمانک بجای پرانتز که تراوش ذوق استاد حمیدی است تصور میشود از لغت عربی بسیار غلیظ (بین‌الهالین) که بسیار بکار برده شده پسندیده‌تر و بذوق سلیم نزدیکتر باشد.

* آقای غلامعلی حقیقی‌راد